

مطالعه سیر تحول صمیمیت و روابط شخصی در خانواده ایرانی

ماریا رحیمی* و محمد رضایی**

چکیده

در این پژوهش با روش کیفی و رویکرد گزند تئوری، روابط شخصی افراد، صمیمیت و عاطفه این روابط در خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون مطالعه شد؛ جامعه آماری این مطالعه افرادی هستند که در سه دهه گذشته دانشجوی بودند و به روش نمونه‌گیری نظری، تعداد ۳۵ نفر از آن‌ها انتخاب و با تکنیک مصاحبه عمیق بررسی شدند و داده‌های حاصله با استفاده از روش‌های تحلیل گزند تئوری تحلیل شد. از جمله یافته‌های این مطالعه می‌توان به افزایش فردگرایی در تعاملات شخصی افراد در جریان سیر تحول آن اشاره کرد و به‌عنوان مهم‌ترین یافته این پژوهش می‌توان به تحول جایگاه تعاملات با دوستان و همکاران تحت عنوان یک کانال جدید در روابط شخصی افراد اشاره کرد که به شکل‌گیری پیکربندی متفاوتی در خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون منجر شده است؛ به عبارت ساده بنا به یافته‌ها باید گفت در زمینه تحول صمیمیت در روابط شخصی افراد، مرز بین خویشاوندان و غیرخویشاوندان در خانواده ایرانی محو شده است و شاهد تغییراتی اساسی در این خصوص هستیم؛ گفتمانی است که در این تحول، جنسیت تأثیر مهمی داشته، چرا که تحول موقعیت اجتماعی زنان مبنی بر ورود آن‌ها به اجتماع از سه دهه گذشته تاکنون در ایران، باعث شده است تا فقط ارتباط دوستان و همکاران مرد با خانواده مطرح نباشد و در کنار آن دوستان و همکاران زن هم با خانواده ارتباط بیابند. در کنار این تحول باید به استفاده از انواع ارتباطات مجازی بنا به تحولات تکنولوژیکی در ایران از سه دهه گذشته تاکنون برای ارتباط با دوستان و همکاران هم اشاره کرد که بنا به یافته‌ها چون زنان در فضای مجازی به نسبت مردان فعال‌تر هستند، در این زمینه هم با برقراری و تداوم ارتباط صمیمی با دوستان و همکاران خود در این تحول اساسی در پیکره خانواده تأثیر مهمی دارند.

واژگان کلیدی

روابط شخصی؛ روابط صمیمی؛ تعاملات خانوادگی؛ پیکربندی خانواده؛ تحول خانواده؛ خانواده ایرانی

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران maria.rahimi6@gmail.com

** استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۳

تاریخ ارسال: ۱۳۹۵/۳/۱۵

مقدمه و بیان مسأله

نهاد خانواده در بیشتر کشورها (صنعتی و غیرصنعتی) دچار تغییرات اساسی شده است (بورگس^۱، ۱۹۹۳: ۲۰۳). برای نمونه، نرخ زاد و ولد کاسته شده است و در بسیاری از خانواده‌های امروز تعداد کودکان کمتری دیده می‌شود. افزون بر این، بسیاری از خانواده‌ها در حال حاضر با تمهیدات غیرسنتی زندگی می‌کنند: زندگی مشترک بدون ازدواج زیادی وجود دارد، افراد در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند، ازدواج‌ها با نرخ بیشتری در قیاس با گذشته به طلاق منجر می‌شوند و ازدواج‌های مجدد در حال افزایش است (او ای سی دی^۲، ۲۰۱۱: ۳). به این فهرست باید تحول نقش‌های زن و شوهری، موقعیت در حال تغییر زنان و موازنه قدرت آن‌ها با مردان، ظهور «دموکراسی عاطفی»^۳ در خانواده که در آن تساوی، ارتباط و اعتماد وجود دارد و دست آخر نظام تعاملات میان افراد را نیز افزود (کسل، ۱۳۸۳: ۱۲۷؛ شونکوف^۴ و همکاران، ۱۹۸۷؛ چیل^۵ و همکاران، ۱۹۹۳).

از بین ابعادی که در بالا از آن یاد شد، صمیمیت و عاطفه یکی از مفاهیم کلیدی در روابط شخصی و تعاملات افراد در خانواده است. چه بسا، هنوز زمینه‌های کلیدی اجتماعی جمعیتی^۶، زندگی‌نامه‌ای^۷ و تعاملی را در پژوهش‌های مربوط به خانواده به خوبی درک نکرده‌ایم (وال و گوویا^۸، ۲۰۱۴: ۳۵۴). ما معتقد هستیم در هر خانواده‌ای روابطی وجود دارد که مهم‌ترین بعد آن، روابط اعضا خانواده با هم و با افراد خارج از خانواده است که برای هر عضوی از خانواده به‌عنوان روابط شخصی تعریف می‌شوند که در مجموع ترکیب و پیکربندی خاصی را برای هر خانواده‌ای به‌طور مجزا از دیگر خانواده‌ها پی‌ریزی می‌کند. در درون این پیکربندی است که کارکردهای خانواده محقق می‌شود. باید توجه داشت افزون بر تفاوت این پیکربندی در میان خانواده‌ها، نوع این پیکربندی در جوامع گوناگون و حتی در دوره‌های مختلف یک جامعه نیز

-
1. Burgess
 2. OECD
 3. Emotional democracy
 4. Shonkoff
 5. Cheal
 6. sociodemographic
 7. biographical
 8. Wall and Gouveia



متفاوت است. بنابراین، با پذیرش تنوع اشکال روابط شخصی افراد در خانواده و تحولاتی که در ماهیت آن روی می‌دهد، صمیمیت و روابط عاطفی و احساسی درون خانواده‌ها نیز دچار تحول می‌شود. در نتیجه چه بسا خانواده با تحولاتی در کارکردهای خود روبرو شود و این کارکردهای جدید، چنانچه رینز مک‌کارتی و ادواردز گفته‌اند، بر ایفای نقش و تقسیم‌کار در خانواده و حتی بر روابط قدرت درون آن تأثیر بگذارد (۱۳۹۰: ۴۴۵). لذا، ما با تأکید بر صمیمیت در روابط خانوادگی، پیکربندی خانواده ایرانی را از سه دهه گذشته تاکنون بررسی کردیم و مسأله را به این صورت مطرح کردیم که صمیمیت و روابط شخصی در خانواده ایرانی، چگونه متحول شده است؟ روشن است، یکی از روش‌های بررسی چنین پدیده‌ای رجوع به ذهنیت افراد از خانواده و نظام روابط میان آن‌هاست. ما این مسیر را برای این مطالعه انتخاب کردیم.

شایان ذکر است که مطالعه وال^۱ و گوویا^۲ (۲۰۱۴) در راستای پژوهش کنونی بود، این مطالعه با عنوان «معانی در حال تغییر خانواده در روابط شخصی» در کشور پرتغال انجام گرفته، که در راستای کمک به فهم معنای شکل گرفته از خانواده و زندگی خانوادگی بوده است و در این زمینه فهم مجموعه معانی پیوندها و مناسبات خانواده، نقطه مرکزی بوده است و اساس رسیدن به این فهم را بر مبنای بررسی مرزهای در حال تغییر روابط خویشاوندان نزدیک و مجموعه وسیعتری از روابط از قبیل روابط با دوستان، همسایگان، آشنایان^۳، همکاران و... فرد قرار داده است.

تأکید بر صمیمیت در روابط شخصی خانواده پیشتر به نوعی برای جیلیز^۴ در سال ۲۰۰۳، هم سؤال بوده است و به همین علت در مطالعه خود با عنوان «خانواده و روابط صمیمی: مروری بر تحقیق اجتماعی»، به بررسی چگونگی برساخت جامعه‌شناختی^۵ درباره خانواده و روابط صمیمی پرداخته است؛ جیلیز در این مطالعه عنوان کرده است که جنس صمیمیت در روابط شخصی افراد در طی سال‌ها تغییر کرده و در این زمینه عنوان کرده است که با تأکید

-
1. Wall
 2. Gouveia
 3. acquaintances
 4. Gillies
 5. sociological constructions

تئورسین‌ها بر تفکیک، دموکراتیزاسیون^۱ یا پیوستگی و تداوم^۲، سه دیدگاه جامعه‌شناختی مهم در روابط شخصی معاصر ایجاد شده است.

قنبری‌پناه، شریف‌مصطفی و احمد (۲۰۱۳)، در مطالعه خود با عنوان «تحلیل ساختاری از پویایی خانواده در چرخه زندگی خانوادگی ایران» به تحلیل ساختار پویایی خانواده در سیستم خانوادگی ایران پرداخته است. تأکید اصلی در این پژوهش بر چهار بعد اصلی (انسجام^۳، انعطاف‌پذیری^۴، ارتباطات خانواده^۵ و رضایت‌مندی خانواده^۶) از ساختار پویای خانواده در هر مرحله از چرخه زندگی خانوادگی در بین خانواده‌های ایرانیان است. این مطالعه بر تعاملات بین اعضای خانواده به عنوان یک سیستم تأکید دارد و منظور از سیستم خانواده مجموعه‌ای از نقش‌ها، ساختارها، تعاملات، الگوها، روابط قدرت و مرزها در یک خانواده است. به‌طور خلاصه باید گفت که این پژوهش در تلاش است تا برخی از سطوح تئوری، تحقیق و عمل در زمینه علم خانواده را با هم ادغام کند.

محمد مهدی لبیبی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «نگرشی نوین به تحول ارزش‌های خانوادگی در ایران»، سعی کرده است از نگاه آسیب‌شناسانه کارکرد و ساختار خانواده دوری کرده و بر ارزش‌ها متمرکز شود. به اعتقاد او خانواده ایرانی با گذشت زمان از نظر ساختار و روابط درونی و حتی معنا و مفهومی که در این نوع روابط حاکم است تحولات گسترده‌ای را از سر گذرانده است. او در مطالعه خود به عامل مؤثر در تحولات ارزشی خانواده در ایران با عنوان ضعف تعامل و فضای گفتگو اشاره دارد.

نظم جدید در روابط شخصی و صمیمیت

در آغاز باید گفت واژه شخصی در مطالعات خانواده بسیار با اهمیت است. این واژه به‌جای آن‌که به تجربه‌های جمعی و گروهی مربوط شود به فردی خاص اشاره می‌کند.

-
1. democratisation
 2. continuity
 3. cohesion
 4. flexibility
 5. family communication
 6. family satisfaction



نظریه‌هایی که به معنا و مفهوم شخصی بودن پرداخته است از تنوع زیادی بهره‌مند هستند. مردم‌شناسان در مطالعات خود نشان داده‌اند که معنا و مفهوم امر شخصی در فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است و روان‌شناسان این مفهوم را اغلب در ارتباط با مفاهیمی مانند شخصیت و تجربه‌های شخصی به کار برده‌اند در حالی که جامعه‌شناسان بیشتر بر این نکته تأکید کرده‌اند که چگونه تجربه‌های شخصی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی معنا پیدا می‌کنند (ریبنز مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۵۱۹) و به ترکیب‌بندی‌هایی در حوزه‌های مختلف از جمله در خانواده منجر می‌شوند.

باید گفت روابط شخصی و پیکربندی^۱ خانواده، آرایش وسیعی از روابط و افراد را در شبکه‌های خانوادگی شامل می‌شود (وال و گوویا، ۲۰۱۴: ۳۵۳)، که در خانواده باید بین مفاهیم «ارتباط» و «تعامل» تمایز قائل شد؛ روابط خانوادگی به چیزی غیر از آنچه مشاهده می‌شود، به پیوندی اشاره می‌کند که مقدم بر تعاملات در حال انجام است و هم‌چون متن معنا دارد. در عوض، تعاملات روزمره یک خانواده را می‌توان فقط در صورتی درک کرد که اعضای خانواده دارای تعامل را نسبت به یکدیگر از قبل مقید و متصل‌تر در نظر بگیرند. زیرا آن‌ها منشأ و وابستگی‌های مشترک دارند. بنابراین، برخلاف تعامل که بر حال حاضر متمرکز است، روابط، چون براساس ارتباط گذشته، حال و آینده شکل می‌گیرند، بلند مدت هستند (اسکینی و همکاران^۲، ۲۰۰۷: ۱۰).

در ادامه باید مفهوم «رابطه صمیمی^۳» را روشن کرد؛ مفهومی گسترده و سیال است که می‌تواند ارتباط‌ها^۴ و تعاملات مختلف بین دوستان، شریک جنسی، خانواده و خویشاوندان نزدیک^۵ را شامل شود (گلیز^۶، ۲۰۰۳: ۱). جیلیز به نقل از لین جامیسون^۷ (۱۹۹۸) می‌گوید اصطلاح صمیمیت به معنای نوعی خاص از ارتباط است که به واسطه باز بودن^۸، به اشتراک

-
1. Configuration
 2. Scabini
 3. intimate relationship
 4. associations
 5. kin
 6. Gillies
 7. Lynn Jamieson
 8. openness

گذاشتن افکار و بیان احساسات مشخص می‌شود (۲۰۰۳: ۹). ارتباط صمیمی را میان کسانی می‌توان تصور کرد که بخشی از «ترکیب خانواده»^۱ شناخته می‌شوند. البته باید توجه داشت که در جوامع مختلف با توجه به فرهنگ آن‌ها این ترکیب در خانواده‌ها متفاوت است و از این‌رو است که مطالعه «روابط» برای فهم پویایی‌های خانواده‌مدرن از اهمیت ویژه‌ای بهره‌مند است، چرا که خانواده در بسیاری شیوه‌ها، زمینه‌ای منحصر به فرد از روابط را شامل می‌شود (فیتزپاتریک و ریتچی^۲، ۲۰۰۸: ۵۶۶).

گیدنز معتقد است که روابط نزدیک بین اعضاء خانواده در دنیای امروز تحول پیدا کرده است (ریبنز مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۴۸۳). در واقع نظریه پردازان برجسته جامعه‌شناختی از قبیل گیدنز و اولریش بک^۳ و الیزابت بک جرنشایم^۴ تلاش کردند تا ظهور یک نظم اجتماعی جدید از «مدرنیته بازتابی»^۵ را مستند کنند، آن‌ها ادعا می‌کنند این نظم جدید به یک تغییر و تحول در تجربه شخصی منجر شده است (گلیز، ۲۰۰۳: ۹). گیدنز در توصیف خود از جامعه پسا سنتی^۶ باور دارد زنان و مردان به تدریج از نقش‌ها و محدودیت‌های مرتبط با روابط اجتماعی سنتی آزاد و به بازاندیشی در ایجاد خویشتن خود، از طریق تصمیم‌گیری‌های روز به روز مجبور می‌شوند (گیدنز^۷، ۱۹۹۲، ۱۹۹۱). به تدریج این فرایند آگاهانه از بساخت زندگی‌نامه‌ای^۸ برای افراد به روابط شخصی آن‌ها هم وارد شده است که بر مبنای یک موقعیت خودآگاهی^۹ فردی ارزیابی و به انجام می‌رسد. به گفته گیدنز، مردم به‌طور فزاینده‌ای در جستجوی ارتباطات صمیمی با دیگران هستند که براساس دانش و درک متقابل پایدار می‌ماند. افراد در چنین «روابط ناب»^{۱۰} به‌خاطر خودشان وارد شده‌اند و تنها در زمینه‌هایی که هر یک از

-
1. Family composition
 2. Fitzpatrick, Ritchie
 3. Ulrick Beck
 4. Elizabeth Beck Gernsheim
 5. reflexive modernity
 6. post traditional
 7. Giddens
 8. biographical
 9. self awareness
 10. pure relationships



طرفین رضایتمندی شخصی کافی دارند آن را ادامه می‌دهند. گیدنز همچنین اشاره می‌کند قطعه‌قطعه شدن ساختارهای اجتماعی ایجاد شده همراه با جدایی از رابطه جنسی و تولید مثل، ظهور نوع جدیدی از «تمایلات جنسی پلاستیکی»^۱، خارج از مرزهای معمولی یا عرف را شکل داده است. به اعتقاد او در کل چنین «تحولاتی از صمیمیت» هم پاسخی به تغییر اجتماعی و هم یکی از ویژگی‌های آن است (گلیز، ۲۰۰۳: ۹).

«تز فردی‌گرایی»^۲ بک و بک (۱۹۹۹) تصویری مشابه را ارائه و عصر جدیدی از مدرنیته^۳ را نشان می‌دهد که در آن به‌جای پیش‌بینی‌پذیری^۴ قدیم و اطمینان از جامعه صنعتی، فرصت‌ها و ریسک‌های جدید دیده می‌شود. آن‌ها استدلال می‌کنند این تغییرات اساساً تغییر تجربه عشق، روابط جنسی و زندگی خانوادگی، قرار دادن صمیمیت در قلب زندگی غیرسنتی^۵ است. افراد آزاد شده از احکام و آداب و رسوم به نویسندگان زندگی خود تبدیل می‌شوند (گلیز، ۲۰۰۳: ۹). این نظریه به‌طور کلی از تغییر ماهیت روابط شخصی تخمین‌های خوشبینانه ارائه می‌دهد. بسیاری از نظریه‌پردازان استدلال می‌کنند که افزایش انعطاف‌پذیری خود به «دموکراتیزه شدن شخصیت انسان»^۶ منجر می‌شود که تأثیرش بر چهارچوب گسترده‌تر سیاسی و اخلاقی است (گلیز، ۲۰۰۳: ۱۰). به این ترتیب بنا به آنچه که وال و گوویا گفته‌اند (۲۰۱۴)، روابط شخصی و صمیمی، امروزه کمتر به ازدواج و روابط خونی وابسته است و مرزهای خویشاوندان و غیرخویشاوندان در روابط افراد در هم تنیده شده است (ص ۳۵۳). آن‌ها از پال^۷ و اسپنسر^۸ (۲۰۰۴) نقل می‌کنند که ماهیت وابستگی‌های نزدیک تغییر کرده است. وال و گوویا نوع‌شناسی اکتشافی شش‌تایی شامل یک جامعه شبه دوستان را عنوان کردند که در آن دوستان بر خویشاوندان ارجحیت داشته و یک نقش محوری دارند. به این ترتیب، ما می‌توانیم

-
1. plastic sexuality
 2. individualisation thesis
 3. modernity
 4. predictabilities
 5. detraditionalised
 6. democratisation of personhood
 7. Pahl
 8. Spencer

پیوندهای خویشاوندی و غیرخویشاوندی داشته باشیم که هم نقش شبه دوست^۱ و هم شبه فعالیت‌های خانواده^۲ را برای افراد بازی کنند (وال و گوویا، ۲۰۱۴: ۳۵۳).

در نهایت، باید گفت؛ دنیای یک فرد که واژه شخصی از آن متبلور می‌شود و شامل تعاملات و ارتباطات گوناگون است، در جامعه تحت تأثیر تحولات مختلف اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و اقتصادی است. به عبارت ساده‌تر دایره‌های تعاملی و ارتباطی دنیای شخصی هر فرد بازتعریفی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است. همین بازتعریف‌ها باعث شکل‌گیری پیکربندی‌های مختلف در روابط شخصی افراد می‌شوند که در آن‌ها ممکن است ماهیت وابستگی‌ها و نوع صمیمیت و عاطفه هم متفاوت از هم باشند.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش ضمن استفاده از روش اسنادی- کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری مطالب نظری، برای اجرای پژوهش، روش کیفی و رویکرد گرنرد تئوری به‌کاربرده شد. نمونه‌های^۳ این پژوهش کسانی هستند که در سه دهه گذشته دانشجوی بوده‌اند؛ دانشجوی بودن نمونه از آن جهت مهم است که در هر دوره‌ای این افراد در مسیر نوگرایی و نوخواهی باشند. بنابراین، انتظار این است که هم‌گام با تحولات مختلف، نگرش‌ها و سبک زندگی آن‌ها هم متحول شود. از بین این افراد به روش نمونه‌گیری نظری (گلیرز و اشتراوس ۱۹۶۷) تعداد ۳۵ نفر را انتخاب کرده‌ایم. این ۳۵ نفر شامل ۱۹ نفر مرد و ۱۶ نفر زن بوده است که در دهه‌های مختلف و در مقاطع مختلف تحصیلی از کارشناسی تا دکتری مشغول به تحصیل بوده‌اند و از این تعداد در کل ۱۷ نفر متأهل، ۱۵ نفر مجرد و ۳ نفر نیز مطلقه بوده‌اند. از نظر شرایط سنی نمونه‌ها از ۲۰ ساله تا ۵۰ ساله و از گروه‌های مختلف اجتماعی هستند.

در این مطالعه، در راستای اهداف و پرسش‌های پژوهش از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. به لحاظ اینکه هدف پژوهش دریافت ذهنیت فرد از مفهوم خانواده بوده است، در ابتدا مصاحبه با این سؤال شروع شد که اولین جرقة ذهنی شما از تعریف خانواده چیست؟ و سپس

-
1. friend-like
 2. family-like functions
 3. cases



بر محور مفاهیم حساس برگرفته از مبانی مفهومی پژوهش، سؤالات مرتبط بعدی مطرح شد. داده‌های حاصله نیز با استفاده از تکنیک‌های تحلیل در رویکرد گرنند تئوری تحلیل شد. در خصوص کدگذاری و پیدا کردن مقولات، هم از مفاهیم حساس نظری و هم از کدهای جنینی بهره گرفته‌ایم. در ابتدای تحلیل، کدهای فراوانی به دست آمد که در مسیر کدگذاری در رویکرد گرنند تئوری با مرتبط کردن یا بهتر است بگوییم با ادغام کردن موارد مشابه به تعداد کدهای کمتر با جامعیت بیشتری رسیدیم. بر این مبنا در این مطالعه با توجه به تحلیل یافته‌های به‌دست آمده، روابط شخصی افراد در یک خانواده بر اساس تفاوت بین «ارتباط» و «تعامل» و با تأکید بر «صمیمیت و عاطفه»، در چهار رده زیر تقسیم‌بندی شدند:

- تعاملات بین زن و شوهر
- تعاملات بین والدین و فرزندان
- تعاملات بین فرزندان با هم (تعامل خواهر و برادر)
- تعاملات خانواده با دوستان و همکاران

یافته‌های پژوهش

سیر تحول تعاملات بین زن و شوهر: تفاوت آستر و رویه تعاملات بین زوجین: در خصوص تحلیل نتایج تعاملات بین زن و شوهر یک مقوله مهم به‌دست آمد و آن درونی بودن ابراز عاطفه در گذشته و بیرونی شدن بروز عاطفه و صمیمیت به مرور زمان بین زن و شوهر در خانواده ایرانی بوده است. در گذشته بین زن و شوهر برای بیان عواطف از زبان استفاده نمی‌شد و در عوض همراهی و پشتیبانی زوجین از همدیگر به‌ویژه زمان بحران در زندگی مشترک، نمادی از عواطف و صمیمیت بین آن‌ها محسوب می‌شد.

... من هیچوقت از مادرم یا از پدرم کلماتی مانند دوست دارم نشنیدم که به یکدیگر گفته باشند، اما ما احساس صمیمیت و همراهی عمیقی بین والدین خود احساس می‌کردیم... در واقع حل مشکلات زندگی مشترک آن‌ها نمودی از همدلی و صمیمیت بین آن‌ها بود... و نشانی از علاقه به حفظ زندگی زناشویی آن‌ها بود... (آقای الف. الف. ۳۷ ساله، متأهل)

در شرح روان‌تر این تحول درونی- بیرونی بودن عواطف بین زن و شوهر در خانواده ایرانی؛ باید گفت که در گذشته مواجهه زن و شوهر برای ابراز احساسات جنس مخصوص به

خود را داشته و همراهش نوعی شرم و حیای که باعث می‌شد ابراز احساسات زبانی نباشد و زوجین در عمل یار و یاور هم باشند. البته باید گفت که وجود این شرم و حیا بین زوجین برای ابراز احساسات ناشی از بافت سنتی جامعه ایرانی بوده است. در طی سه دهه گذشته ساختار خانواده‌های ایرانی اکثراً شامل خانواده گسترده بود، هر چند خانواده‌هایی از نوع میانه (هسته‌ای و گسترده) هم شکل گرفته بود، اما به معنای کنونی خانواده هسته‌ای هنوز به وجود نیامده بود و همان‌طور که صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۲)، هم در مطالعه خود عنوان کرده‌اند ارتباطات خانواده و خویشاوندان بسیار قوت داشت و در نتیجه زوجین در اکثر اوقات در جمع خانواده بودند و بنابراین، ابراز عاطفه بین زن و شوهر به سختی شکل می‌گرفت.

شاید همین شرم و حیا نشأت گرفته از جامعه هم باعث می‌شد که هرگونه ارتباط صمیمی با دیگری در قالب روابط احساسی-عاطفی را نادرست بدانند و از آن دوری کنند که در نهایت شاهد وفاداری‌های عمیق در زندگی‌های مشترک خانواده‌های ایرانی در گذشته بودیم. شاید بتوان در اینجا از وجود حاکمیت «وجدان جمعی» دورکیم در خانواده ایرانی در سه دهه گذشته صحبت کرد که مانع از هرگونه تخطی در جامعه از جمله برای زن و شوهر در یک خانواده می‌شد، که در صورت بروز خطای فرد، نگاه‌های سخت جامعه را به دنبال داشت، اما به مرور حاکمیت وجدان جمعی رنگ باخته و حساسیت‌ها در جامعه درباره برخی تعاملات و ارتباطات در خانواده از بین رفت.

به این ترتیب واقعیت آن است که بنا به یافته‌های این پژوهش عواطف و صمیمیت بین زن و شوهر ایرانی در سه دهه گذشته مدل مخصوص به خود را داشت و به مرور این مدل دستخوش تحولاتی شده و بهتر است بگوییم عمق روابط بین زن و شوهر در این مدل دستخوش تغییر شده است.

از نظر مصاحبه‌شونده‌ها اینکه تعاملات بین همسران مانند گذشته عمیق نیست و سطحی است بنا به این استدلال بیان می‌شود که در طی سه دهه گذشته در خانواده ایرانی اگر مشکلی در هر بعدی به وجود می‌آمد، این زن و شوهر بودند که با پشتوانه صمیمیت و همدلی که بین آن‌ها برقرار بود از پس آن مشکل برمی‌آمدند و آن را برطرف می‌کردند؛ اما در خانواده ایرانی اکنون شاهد این همدلی‌ها نیستیم و با بروز کوچکترین مشکل ممکن است یک زندگی پاشیده شود یا دست‌کم پایه‌های محکم آن ترک برمی‌دارند؛ این در حالی است که بین زوجین ایرانی



در طی سه دهه گذشته استفاده از عبارات لفظی برای بیان احساسات و صمیمیت چندان رایج نبوده است. از سه دهه گذشته تاکنون به این رسیده‌ایم که زن و شوهر بسیار زیاد از زبان برای بیان احساسات و عاطفه و صمیمیت استفاده می‌کنند و حتی این گونه ابراز احساسات ممکن است، بنا به چشم و هم‌چشمی‌ها در زمینه بروز عاطفه، در جمع خویشاوندان، دوستان و سایر اعضاء خانواده صورت گیرد که به نوعی همه شاهد این موضوع و شاهد علاقه بین آن‌ها باشند و به اصطلاح از نظر «عشق رومانتیک» زبانزد همه باشند، اما در زمان بحران ناشی از به وجود آمدن هرگونه مشکل در خانواده آن‌گونه که باید همدلی ناشی از آن عشق رومانتیک برای رفع مشکل یا مشکلات بین آن‌ها دیده نمی‌شود و پایه خانواده یا سست می‌شود یا خانواده از هم می‌پاشد.

... من بسیاری از زن و شوهرها را دیده‌ام که نسبت به هم ابراز عاطفه شدید داشته‌اند، اما پس از مدتی با بروز یک مشکل بسیار کوچک اکثراً از جنس مشکلات مالی یا بیماری یکی از زوجین باعث شده است تا یکی از آن دو ماندن در کنار دیگری را از زندگی‌اش حذف کند و ترک زندگی زناشویی را بهتر از ماندن بداند و ما معمولاً از عبارات «شما که عاشق هم بودید»، «شما که همدیگر را دوست داشتید» و... استفاده کرده و سعی در برگرداندن طرف مقابل به زندگی مشترک‌اش داشته‌ایم این در حالی است که در خانواده‌های گذشته ما، خبری از کاربرد اینگونه عبارات نبود و البته خبری هم از جاری شدن عبارات دوست‌دارم و امثالهم بین زن و شوهر نبود.... اما عاطفه و صمیمیت سه دهه گذشته بین زن و شوهرها کجا و عاطفه و صمیمیت الان که بین زوجین وجود دارد کجا!... (خانم م. ت. ۴۱ ساله، متأهل).

کیفیت پایین تعاملات عاطفی بین زن و شوهر و جایگزین‌های آن: اکثر مصاحبه‌شونده‌ها

با نگاهی روان‌شناسانه معتقد بودند وقتی که عمق عواطف بین دو فرد به‌عنوان همسر کاهش یابد، بدون شک در اکثر موارد آن‌ها به‌دنبال جایگزینی برای این خلاء هستند، که از این جایگزین در رابطه تعاملات بین زن و شوهر با عنوان «از بین رفتن وفاداری و تعهد» بین آن‌ها یاد می‌شود. با توجه به یافته‌های این پژوهش، از سه دهه گذشته تاکنون تحول تعاملات بین زن و شوهر و سطحی شدن ابراز عاطفه و صمیمیت بین آن‌ها به‌دنبال خود تحول در نوع

1. Commitment

وفاداری‌ها بین زوجین در خانواده ایرانی را هم به همراه داشته است و متعاقب آن تحول در وفاداری‌های بین زوجین، به مرور زمان به سردی بیشتر تعاملات بین آن‌ها منجر شده، که خانواده ایرانی را دچار «پس لرزه»هایی کرده است که تاکنون نظیر نداشته است؛ بنابراین، به یک رابطه تقریباً از نوع «رابطه زنجیروار^۱» در خصوص تحول صمیمیت بین زن و شوهر و از بین رفتن وفاداری بین آن‌ها به عنوان بعدی از روابط شخصی رسیده‌ایم که بنا به نظر اکثر مصاحبه‌شونده‌ها بسیاری از آسیب‌های کنونی در خانواده و بین زوجین نشأت گرفته از همین رابطه «زنجیروار منفی^۲» است که طبق این یافته‌ها می‌توان از تحول موقعیت اجتماعی زنان و همین‌طور به وجود آمدن آگاهی‌ها و نیازهای کاذب به‌ویژه در زمینه نیازهای جنسی با طرق مختلف از جمله اینترنت و ماهواره، به‌عنوان دلایل آن اشاره کرد.

در ادامه شرح تحول تعاملات بین زن و شوهر باید گفت که به‌طور ویژه در دنیای مجازی ارتباطات کمیت بالایی دارند، چرا که افراد از جمله یک زوج با کسانی رابطه دارند که ممکن است آن‌ها را به خوبی نشناسند، اما ممکن است احساساتی بین آن‌ها رد و بدل شود که کیفیت زندگی زناشویی یک زوج را پایین آورد. باید تصریح کرد که این رابطه احساسی که برای یک زن و شوهر با سایرین به‌طور ویژه ممکن است در فضای مجازی رخ دهد، نیاز نیست که حتماً با جنس مخالف آن‌ها انجام شود، همین که از طریق دنیای مجازی ارتباطی بدون زمان و بدون مکان برای هر کدام از آن‌ها با سایرین یا همان دوستان مجازی آن‌ها برقرار می‌شود، باعث می‌شد مدت زمانی که باید با همسرشان سپری کنند به کم‌ترین حد خود برسد، چیزی که در دهه‌های گذشته در ایران مرسوم نبوده و تعاملات و ارتباطات زمان و مکان خاص و مشخص شده‌ای داشتند. این همان مفهوم «از جاکندگی زمان و مکان» و «کنده‌شدن» گیدنز (گیدنز، ۱۳۸۸: ۲۶) است که در دنیای مدرنیته و در روابط شخصی و حتی بین زن و شوهر نیز رخ داده است که باعث سردی تعاملات بین زوجین شده که به ابراز زبانی عاطفه و احساس و مواردی نوین همچون هدیه دادن‌ها و مواردی از این دست بین زن و شوهر رسیده است. در مجموع باید گفت بنا به اعتقاد اکثر مصاحبه‌شونده‌ها این سردی ایجاد شده بین زن و شوهر که یک علت آن

-
1. Chain relationship
 2. Negative Chain relationship



تحول در موقعیت اجتماعی زنان و علت دیگر آن فردگرایی زوجین در رسیدن به اهداف فردی به‌ویژه در زمینه‌های شغلی و تحصیلی است با تأثیر ویژه دنیای مجازی و تعاملات بدون زمان و مکان آن باعث از بین رفتن تعهدات و وفاداری‌ها در خانواده ایرانی شده است.

باید متذکر شد که بنا به یافته‌های این پژوهش شاید بتوان از بین رفتن وفاداری‌ها را «مرگ تدریجی یک خانواده» تعبیر کرد. چرا که بنا به یافته‌ها به مرور زمان زن و شوهر ایرانی به این رسیده‌اند که برای ارضای نیاز عاطفی خود می‌توانند نگاهی به بیرون از خانواده و همسر خود داشته باشند و این ارضا شدن را با دیگری تجربه کنند. شاید اولین نتیجه این تحول را در بحث مهرآیین درباره طلاق عاطفی بین همسران یافت. به اعتقاد او طلاق عاطفی یک پدیده طبیعی زمان معاصر است و نوعی از روابط انسانی جدید است که نمی‌توان به سادگی آسیب‌شناسی کرد، این پدیده واقعیت امروزی ماست. او معتقد است که این اتفاق قبل از اینکه یک آسیب باشد یک پدیده اجتماعی در حال شکل‌گیری است و به قدری گستره آن افزون شده که حتی ساختارهای اجتماعی دیگر را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است، ولی به هر حال مهرآیین به‌عنوان آسیب به آن نگاه نمی‌کند و به‌صورت روابط سیال انسانی یا روابط عاشقانه‌ای که میزان زمانی تعهدش کم است به آن نگاه می‌کند (مهرآیین، ۱۳۹۴). در همین راستا باید تأکید کرد که به مرور که «سنت‌زدایی» در بسیاری از آداب و رسوم خانواده‌های ایرانی رخ داد و جامعه سعی کرد رو به سوی مدرنیته رود و افراد در این سیر «ادای مدرن شدن» را در آوردند، بسیاری از چیزهایی که زمانی در فرهنگ ایران ناپسند بود به‌راحتی در مهمترین عنصر جامعه یعنی نهاد خانواده و در تعاملات و ارتباطات درونی اعضای آن رسوخ کرد که در نتیجه صمیمیت‌هایی خارج از چارچوب مرسوم برای زن و شوهر شکل گرفت که در نتیجه آن وفاداری‌های گذشته رنگ باختند؛ نکته جالب آن که به نوعی از این پدیده به‌عنوان «روشنفکری» یاد می‌شود و وفاداری‌های گذشته بین زن و شوهر انگ «تعصب» به خود می‌گیرد و ممکن است در یک خانواده برای حفظ «کلاس اجتماعی» اکثر تعاملات به‌دنبال «تقلیدی کورکورانه» شکل گیرند که ناخواسته باید پیامدهای آن را نیز متحمل شوند.

در پایان این بحث باید گفت که بنا به یافته‌های این پژوهش، زنان و مردان در خانواده ایرانی به تدریج از نقش‌ها و محدودیت‌های مرتبط با روابط اجتماعی سنتی آزاد شده‌اند؛ در گذشته «فطرت زنانگی» و «فطرت مردانگی» باعث انجام یک سری وظایف از سوی زنان و

مردان می‌شد که به مرور زمان و به دنبال تحولات ذکر شده این فطرت‌ها در انجام‌رسانی وظایف کمرنگ شده است و جنسیت به‌ویژه در خانواده معنایی متفاوت از گذشته یافته است که نتیجه این تحول را در نوع تداوم زندگی خانوادگی و پایداری یک خانواده مشاهده می‌کنیم. در واقع زندگی‌های ما از حالت سنتی خارج شده و به حالتی بین سنت و مدرنیته افتاده است. یعنی در تعاملات خود لباس مدرنیته پوشیده‌ایم، اما کماکان از درون سنتی هستیم؛ و در این تحول که به اجبار و گاهی از روی تقلید از «مدهای رفتاری مدرن» پیروی می‌کنیم، به ناچار رویه را پوشیده‌ایم و آستر هم‌چنان متفاوت از رویه است و در نتیجه با هم همخوانی ندارند، شاید همین تفاوت آستر و رویه تعاملات که بین زن و شوهر ایرانی به مرور زمان نیز رخ داده است باعث فروپاشی‌هایی در خانواده ایرانی شده که در دهه‌های گذشته یا وجود نداشت یا بسیار نادر بوده است.

سیر تحول تعاملات بین والدین و فرزندان: وارونه شدن احترام در خانواده: بعدی دیگر

از روابط شخصی در یک خانواده، رابطه والدین با فرزندان خود است. در تحلیل نتایج تعاملات بین والدین و فرزندان و در بحث عاطفه و صمیمیت بین آن‌ها به نتیجه‌ای متفاوت با نتیجه تعاملات بین زن و شوهر رسیده‌ایم. در توضیح این تحول باید گفت که: به مرور که ساختار خانواده ایرانی دچار تحول شد و مرد یا پدر خانواده از جایگاه گذشته خود کنده شد و «پدرسالاری» معنایش را از دست داد و در موقعیت اجتماعی زنان نیز تغییر ایجاد شد و بنا به این تغییر تعداد فرزندان که به دنیا می‌آورند نیز کاهش یافت و در نتیجه آن تعداد خانوار ایرانی کاهش یافته، باعث شدند که جایگاه فرزندان هم در ساختار خانواده متحول شود و به دنبال آن تعاملات بین والدین و فرزندان هم دچار تغییر شده است.

... در گذشته نظام پدرسالاری اجازه ارتباط صمیمی بین والدین و فرزندان به اندازه امروزه را نمی‌داد... مثلاً ارتباط من و خواهر و برادرانم با پدرمان متفاوت از رفتار فرزندان امروز با پدرشان بود... برای ما ابهت پدر مانع از ارتباط صمیمی با او می‌شد و همیشه یک حریمی بین من و خواهر و برادرانم با پدرمان وجود داشت که حریم احترام نام داشت و با حفظ این حرمت‌ها هم پرورش یافتیم.. (آقای ح.ع. ۳۰ ساله، متأهل)

در توضیح بیشتر روند این تحول باید به کاهش تعداد فرزندان یک خانواده یعنی بعد خانوار نیز اشاره‌ای پررنگ داشت.



... در گذشته تعداد فرزندان در یک خانواده زیاد بود... مثلاً زمانی که ما بچه بودیم اگر بنا به فطرت بچگی شیطنتی از ما سر می‌زد توپ و تشر می‌شدیم که موجب می‌شد آرام و ساکت در گوشه‌ای بنشینیم...، اما در خانواده‌ها به مرور زمان در این خصوص هم تحولاتی رخ داده است... چون تعداد فرزندان در یک خانواده کم است و اغلب تک‌فرزند هستند موج عاطفه است که نصیب کودکی می‌شود که شاید شیطنت‌های او اگر در زمان ما بود با تنبیه همراه می‌شد... (آقای الف. م. ۳۴ ساله، مجرد)

به این ترتیب وزن والدین و فرزندان در ترازوی خانواده دچار تحولاتی اساسی شده است و شاید بتوانیم بگوییم کفه ترازو به نفع فرزند یا فرزندان خانواده سنگینی می‌کند. شایان ذکر است که تحول نظام پدرسالاری در ایران نتیجه‌ای است که سهیلا صادقی فسایی و ایمان عرفان‌منش (۱۳۹۲)، نیز در مطالعه خود به آن رسیده‌اند. بنا به یافته‌های این محققان نفوذ اندیشه‌های مدرن، تحول اقتصاد کشاورزی به صنعتی و محدودیت‌های زندگی شهری، امکان زندگی خانواده پدرسالار سنتی را نمی‌دهد. این پژوهشگران معتقد هستند که در خانواده‌های امروزی قدرت با پدر مرکزیت ندارد بلکه انتشار یافته است. زنان از طریق منابع غیر مادی همچون هوش، جذابیت و تحصیلات، در خانواده اعمال قدرت می‌کنند و فرزندان از طریق منابعی همچون عواطف، خواسته‌های خویش را پیش می‌برند. این تنوع قدرت، مدل سنتی را که فکر می‌کرد منابع قدرت صرفاً مادی هستند و مرد به واسطه دسترسی به شغل، پول و اموال اعمال قدرت می‌کند را به چالش کشیده است (صادقی فسایی، عرفان‌منش، ۱۳۹۲: ۷۲).

در پایان این بحث باید گفت که در خانواده ایرانی گذشته والدین به‌ویژه پدر از احترام والایی بهره‌مند بودند، اما به مرور زمان فرزندان جای آن‌ها را گرفته‌اند که به تحولات تازه در تعاملات بین والدین و فرزندان منجر شده است. بنا به یافته‌های این پژوهش این تحول اساسی دو بعد داشته است یکی منفی و دیگری مثبت. بعد مثبت آن افزایش صمیمیت‌ها بین والدین و فرزندان، به‌ویژه بین فرزندان و پدر است و بعد منفی آن هم مربوط به کم‌رنگ شدن احترام فرزندان به خواسته‌ها و نظرات والدین آن‌ها است که به مرور زمان در نتیجه خودخواهی‌های ناشی از برآورده شدن تمامی نیازهای فرزندان به وجود می‌آید. این بعد منفی به‌طور ویژه در زمان سالمندی والدین خود را نشان می‌دهد و نتیجه آن به‌وجود آمدن خانه سالمندان در ایران

است، چیزی که فرزندان خانواده ایرانی در سه دهه گذشته حتی به آن فکر نمی‌کردند.

سیر تحول تعاملات بین فرزندان با هم: غریبه‌هایی آشنا در یک خانواده: بنا به تحلیل داده‌های این پژوهش سیر تحول تعامل فرزندان با هم در خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون، از جاده جمع‌گرایی به سمت فردگرایی عبور کرده است؛ در توضیح بیشتر این گفته هم باید ادامه دهیم که روال روزمره، موقعیت‌های معمول و توالی این موقعیت‌ها از مهمترین مؤلفه‌های بررسی شده در خصوص تعامل بین فرزندان یک خانواده با هم و با والدین آن‌ها در این پژوهش بوده است. در روال روزمره یک خانواده ایرانی در دهه‌های گذشته جمع‌گرایی خصیصه اصلی آن بود و در قالب این جمع‌گرایی بوده است که بسیاری از مشکلاتی که امروزه در خانواده ایرانی به‌ویژه در بعد تربیتی فرزندان شاهد هستیم مجال شکل‌گیری نمی‌یافتند؛ چرا که در خانواده ایرانی گذشته «دیالوگ» وجود داشت چیزی که به مرور زمان از سه دهه گذشته تاکنون در زندگی روزمره خانواده ایرانی از بین رفته است. این نتیجه را می‌توان در مطالعه لیبی (۱۳۹۲)، هم مشاهده کرد چرا که این محقق هم در پژوهش خود به تحول وضعیت گفتگو در خانواده به‌عنوان بعدی از تحول ارزشی در خانواده ایرانی رسیده است.

... ما در طول روز سر کار هستیم فرزندانمان یا در مدرسه هستند یا در کلاس‌های تقویتی فوق‌العاده و بعد کلاس‌های ورزشی، یعنی عملاً در طول روز ما چهار نفر آنقدر که در گذشته من با خواهر و برادر و والدینم بودم، با هم نیستیم، مواقعی که با هم هستیم همه یا مشغول دیدن تلویزیون، یا انجام دادن کارهای اینترنتی و یا برنامه‌ریزی برای کارهای فردا هستیم، یعنی هر کدام برای خودمان دنیای مخصوص به خودمان را داریم... بین ما گفتگویی وجود ندارد اگر هم وجود دارد در حد ضرورت است... (خانم ی. م. ۴۹ ساله، متأهل)

در خصوص از بین رفتن «گفتگو در خانواده» برطبق نتایج به‌دست آمده فاکتورهای گوناگون تأثیرگذاری از سوی مصاحبه‌شونده‌ها ذکر شده است که در این خصوص می‌توان به «افزایش فردیت» در بین اعضای خانواده در راستای اهداف آن‌ها اشاره کرد و همین‌طور به‌وجود فضای مجازی و برقراری تعاملات در آن به‌عنوان فاکتور تأثیرگذار دیگر اشاره کرده است.

.... در خانواده من اکثر اوقات که با خواهر و برادرانم در خانه هستیم بسیار کم با هم صحبت می‌کنیم، همه در دنیای مجازی‌مان سیر می‌کنیم و یا در حال برنامه‌ریزی برای اهداف



شخصی مان هستیم... دیالوگ بسیار کمی بین ما رد و بدل می‌شود... اگر هم با هم صحبت کنیم دیالوگ‌های بسیار کوتاه رد و بدل می‌شود... این نکته نه فقط در بین من و خواهر و برادرانم بلکه برای دوستان و اقوام مان هم همینطور است... (آقای م. ص. ۳۵، ساله، مجرد)

به این ترتیب بنا به یافته‌های این پژوهش در خانواده ایرانی صمیمیت در هر خانواده تعریفی خاص دارد و دیگر نمی‌توان چون گذشته یک تعریف جامع ارائه داد که اکثر خانواده‌ها را در بگیرد. امروزه وقتی صحبت از صمیمیت بین اعضای خانواده به‌ویژه بین خواهران و برادران می‌شود اصطلاح «بستگی دارد...» را در آغاز تعریف و توضیح هر فردی می‌شنویم: صمیمیت من بستگی دارد به اینکه چقدر فرصت داشته باشم... صمیمیت ما بستگی دارد به اینکه چقدر با هم باشیم و مواردی این دست؛ پس به جرأت می‌توان گفت بنا به آنچه آمده است «انواع متفاوتی از صمیمیت» در درون خانواده ایرانی شکل گرفته است که از با هم بودن حضوری تا با هم بودن مجازی را شامل می‌شود؛ و در این دو نوع متفاوت صمیمیت معانی متفاوتی از زندگی خانوادگی شکل می‌گیرد که یقیناً شکل ساختاری خانواده و انجام کارکردهای آن در هر نوعی متفاوت از نوع دیگر است که بنا ساختار و کارکرد متفاوت هر نوعی تبعاتی خاص هم برای هر کدام پیش خواهد آمد که جامعه را هم متأثر خواهند کرد.

در نهایت باید گفت پویایی درونی خانواده‌ها و بین فرزندان یک خانواده متحول شده است که در درون این پویایی‌ها صمیمیت‌ها دگرگون شده است و شاهد انواع صمیمیت در یک خانواده هستیم که اینها نشان از تحول کیفیت صمیمیت در خانواده ایرانی در طی سه دهه گذشته تاکنون را دارد.

مؤلفه مشترک در سیر تحول تعاملات درونی خانواده ایرانی: افزایش فردگرایی در خانواده: بر مبنای نتایج این پژوهش در خانواده ایرانی تعاملات خانوادگی اشخاص در بعد تعاملات بین زن و شوهر، تعاملات بین والدین و فرزندان و تعاملات بین فرزندان با هم دچار تحولات اساسی شده است که بنا به یافته‌های این پژوهش اگر آن‌ها را از سه دهه گذشته تاکنون روی یک بردار قرار دهیم اشکال متفاوتی را در این خصوص خواهیم دید، اما بر مبنای نتایج این پژوهش یک مؤلفه مشترک در جریان این تحول به دست آمد و آن فردی شدن و افزایش روحیه فردگرایی در بین اعضای یک خانواده در تعاملات خانوادگی آن‌ها است.

در توضیح دلایل افزایش فردگرایی در تعاملات خانوادگی افراد به‌عنوان ابعادی از روابط

شخصی آن‌ها باید گفت بنا به اعتقاد اکثر مصاحبه‌شونده‌ها دو مؤلفه مهم و تأثیرگذار هستند: یکی مربوط به دنیای مجازی می‌شود و دیگری به افزایش دغدغه‌های اقتصادی و شغلی اعضاء یک خانواده یا بهتر است بگوییم به عوض شدن سبک زندگی در خانواده‌ها مربوط می‌شود که به‌طور ناخودآگاه فردگرایی را ترویج می‌کند. مثلاً فرزند یک خانواده که برای ادامه تحصیل خانه و خانواده را ترک می‌کند عملاً دو دنیا برای او شکل می‌گیرد: دنیای خودش و برنامه‌هایش و دنیای خودش و خانواده‌اش؛ به همین ترتیب زمانی که در خانواده هم به دقت نگاه کنیم همین دو دنیا را برای همه اعضا خانواده مشاهده می‌کنیم، باید متذکر شد که در خانواده ایرانی در سه دهه گذشته هم همین روال بوده است، اما همیشه اهداف خانواده و جمع خانواده در اولویت اول بوده است در صورتی که به مرور زمان این اولویت به اهداف فردی داده شده است و آنچه فردی شدن در خانواده را ترویج می‌کند به‌وجود آمدن تعاملات فردی در دنیای مجازی است که باعث می‌شود این دو دنیای شکل گرفته در خانواده ایرانی به نسبت خانواده ایرانی سه دهه گذشته مرزهای آن‌ها مشخص‌تر شود. خانواده در ایران شکل یک نقشه را به خود گرفته است که مرزها در آن مشخص هستند و هر یک از اعضا خانواده برای خود ایالتی جداگانه هستند، اما کماکان در خانواده به سر می‌برند.

به این ترتیب بار دیگر به گفته گیدنز می‌رسیم که روابط و تعاملات نزدیک در خانواده دگرگون شده است و این دگرگونی همان‌طور که او و سایر اندیشمندان از جمله بک و بک اشاره کرده‌اند همراه با یک فردگرایی افراطی بوده است؛ این فردگرایی در هر جامعه‌ای به روشی مختلف می‌تواند اتفاق افتاده باشد و دلایل گوناگونی نیز ممکن است پشتوانه این فردگرایی باشند؛ که در ایران، تحول در سبک زندگی بنا به دگرگون شدن دغدغه‌ها و پیگیری اهداف فردی و همین‌طور بنا به افزایش استفاده از جایگزین‌های تعاملات حضوری و افزایش استفاده از دنیای مجازی باعث شده است در مجموع نوع تعاملات درونی خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون متحول شود و رو به سوی فردگرایی شدن داشته است.

کانال جدید در تعاملات خانواده ایرانی: تعامل با دوستان و همکاران: در بحث مطالعه

تعاملات و روابط شخصی افراد در خانواده ایرانی و به‌دنبال سیر تحول آن باید گفت یک بعد دیگر هم به آن اضافه شده است و آن بعد تعامل با دوستان و همکاران است. بنا به یافته‌های پژوهش این بعد سبب شده است تا به جرأت بتوانیم در خصوص «تحول پیکربندی» در



خانواده ایرانی صحبت کنیم؛ به عبارتی دیگر، در گذشته روابط شخصی افراد در خانواده شامل تعامل با اعضای خانواده و خویشاوندان نزدیک بوده است و دوستان و همکاران در خارج از این دایره قرار داشتند؛ این به معنای نبود صمیمیت با دوستان و همکاران نبوده است بلکه به این معنا است هر چند که صمیمیتی عمیق بین همکاران و دوستان وجود داشته است، اما جایگاه خاص خودشان را داشته و در حریم تعاملات خانوادگی شخص ورود نمی‌کردند و به عبارتی بهتر مرزها مشخص بودند؛ به مرور که تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه در خانواده‌ها هم نمود یافتند از جمله تحول در موقعیت اجتماعی زنان، امکان برقراری تماس‌های مجازی و از این دست تحولات، جایگاه همکاران و دوستان هم متحول و وارد روابط خانوادگی اشخاص شده است و به نوعی با توجه به یافته‌های این پژوهش، طبقه‌بندی تعاملات و روابط خانوادگی با خویشاوندان و روابط با آن‌ها دچار تزلزل شده است و دیگر درباره خانواده‌ها و روابط خانوادگی به‌عنوان بعدی از روابط شخصی افراد به مانند گذشته نمی‌توان به درستی جایگاه یک دوست و یک قوم و خویش را مشخص کرد و این تحولی اساسی است که از سه دهه گذشته تاکنون در درون خانواده ایرانی رخ داده است. این تحول جایگاه تعامل با دوستان و همکاران به حدی است که می‌توان گفت پیکربندی خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون متحول شده است و کسانی غیرخویشاوند هم برای اعضای خانواده به‌عنوان خویشاوند و حتی به‌عنوان عضو صمیمی مانند سایر اعضای خانواده محسوب می‌شوند.

... امروزه دوستان و همکاران به نسبت گذشته وارد زندگی خانوادگی ما شده‌اند و ما در مراسمات خاصی که شاید در گذشته دوستان دعوت نمی‌شده‌اند، آن‌ها را به‌راحتی دعوت می‌کنیم و برخی از آن‌ها برای ما جایگاه خویشاوند دارند. (خانم گ. ر. ۳۳ ساله، مجرد)

... امروزه دوستان و همکاران را در رده‌ای قرار می‌دهیم که نزدیک به خویشاوندان ما در گذشته هستند و مسائلی را با آن‌ها در میان می‌گذاریم که در گذشته با خویشاوندان خود در میان می‌گذاشتیم... و حتی ممکن است که ما برای تصمیم‌گیری در خصوصی‌ترین مسائل زندگی با دوستان نزدیک‌مان مشورت کنیم... (آقای خ. ع. ۳۱ ساله، متأهل)

.... امروز دوستان و همکاران به‌طور مجازی و غیر مجازی وارد عرصه زندگی ما شده‌اند و ما هم اغلب آن‌ها را جزئی از زندگی شخصی‌مان تلقی می‌کنیم، مثلاً ممکن است تاریخ تولد عمومی‌مان را ندانیم اما یقیناً تاریخ تولد دوستانمان را می‌دانیم و حتی ممکن است بهترین کادو را

هم برای دوست و یا همکاران تهیه کنیم... (خانم الف. ع. ۳۰ ساله، مجرد)

به این ترتیب با ورود دوستان و همکاران به حریم خانواده، در تعریف خانواده باید به وجود غیرخویشاوندان هم اشاره کرد؛ این در حالی است که در گذشته برای هر فردی خانواده مجموعه‌ای از افرادی بود که یا بین آن‌ها روابط سببی برقرار بود یا روابط نسبی؛ یعنی بین اعضای خانواده یا رابطه براساس ازدواج شکل می‌گرفت یا براساس نسبت خونی با هم در ارتباط بودند و یک خانواده را شکل می‌دادند و روابط صمیمی خاصی بین آن‌ها برقرار بود، اما به مرور زمان دوستان و همکاران که در هیچ کدام از این دو دسته رابطه نیستند بنا به دلایلی از جمله کم شدن روابط با خویشاوندان نزدیک متأثر از شرایط زندگی فردی، به حریم روابط شخصی و خانوادگی افراد در خانواده ایرانی وارد شده و تبعات خاص خود را نیز به همراه داشته است که بنا به نظر برخی از مصاحبه‌شونده‌ها شاید علت اصلی برخی مشکلات حاد خانواده به این ورود نابجا مربوط باشد.

...البته به نظر این ورود همکاران و دوستان به حریم خانواده از برخی جنبه‌ها خوب است، اما در برخی موارد هم عواقب ناخوشایندی چون دخالت کردن در اموری که به آن‌ها ارتباط نمی‌یابد را در پی دارند که ممکن است بدتر شدن تعاملات یا مشکلات آن خانواده را در پی داشته باشد... (آقای ح. ع. ۳۰ ساله، متأهل)

باید این نکته را به یافته‌های جدید افزود که هر چند به مرور جایگاه دوستان و همکاران برای همه خانواده‌های ایرانی تغییر کرده است، اما ممکن است درجه صمیمیت این روابط برای همه یکسان نباشد.

... برای من دوستان و همکاران در حد ارتباطات کاری و محیط کار هستند اما رابطه صمیمانه‌ای با آن‌ها دارم ولی در عین حال بسیار مشاهده کرده‌ام که دوستان و همکاران اطرافیانم حتی در بین خویشاوندان خودم دارای جایگاهی متفاوت از جایگاه گذشته‌شان هستند و به نوعی در حال تحولی در جایگاه دوستان و همکاران در خانواده ایرانی هستیم و صمیمیتی در حد خویشاوندان در روابط خانوادگی به دست آورده‌اند... (خانم الف. الف. ۴۳ ساله، متأهل)

... در دنیای امروزه که اعتماد بین فردی بسیار کم است، من با دوستانم ارتباطم را کنترل می‌کنم که وارد حریم خانواده‌ام نشوند، اما این به معنای رابطه غیرصمیمی با آن‌ها نیست؛ فقط



سعی می‌کنم با دوستانم بیش از حد صمیمی نشوم که حد و مرزها شکسته شوند... چون موارد زیادی را می‌بینم که یک دوست یا همکار و حتی یک همسایه در جایگاه خویشاوند نزدیک در یک خانواده قرار گرفته که به نظرم چون شناخت‌ها کافی نیستند، اتفاق جالبی نیست... (آقای الف. الف. ۳۷ ساله، متأهل)

در پایان باید گفت که بنا به نتایج این مطالعه، در تحول جایگاه دوستان و همکاران در روابط شخصی افراد، جنسیت نقش مهمی دارد و زنان بنا به اینکه از سه دهه گذشته تاکنون از موقعیت اجتماعی متفاوتی بهره‌مند شده‌اند و همین‌طور بنا به اینکه در عرصه ارتباطات مجازی هم فعال هستند، به نسبت مردان دارای طیف گسترده‌تری از دوستان هستند که باز هم در مقایسه با مردان میزان صمیمیت آن‌ها با دوستان و همکارانشان متفاوت است و از میزان بالاتری بهره‌مند است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه دریافتیم که الگوی روابط شخصی در خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون متحول شده است. این تحول در برخی جنبه‌ها دارای نقاط مثبت و در برخی دیگر دارای نقاط منفی است.

برطبق نتایج، روابط خانوادگی اشخاص در چهار دسته تقسیم‌بندی شدند و هر کدام به تفکیک بررسی شدند؛ در حیطه تعاملات زن و شوهر به بی‌رنگ شدن تعهد و وفاداری، عاطفه و صمیمیت بین آن‌ها از سه دهه گذشته تاکنون رسیدیم. در واقع در مطالعه تعاملات بین زن و شوهر به این نتیجه رسیدیم که دیگر به مانند گذشته صمیمیت عمیق بین آن‌ها وجود ندارد و نکته مهم‌تر اینکه فردگرایی علاوه‌بر اینکه در تعاملات بین والدین و فرزندان و فرزندان با هم شکل گرفته است، در تعاملات بین زوجین نیز به وجود آمده است. به جرأت می‌توان گفت مفهوم فردگرایی افراطی نشأت گرفته از دنیای مدرن‌گیدنز و سایر مفاهیم مشابه از سایر اندیشمندان از قبیل بک و بک و سایرین درباره تحول روابط شخصی در خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون در این پژوهش در همه ابعاد تعاملات درونی خانواده به اثبات رسیده است و این هشدار جدی برای مهمترین عنصر جامعه یعنی خانواده است چرا که فردگرایی در هر جایی از جمله در یک خانواده و در تعاملات آن‌ها حکم یک بیماری را دارد که باید از شیوع

بیشتر آن جلوگیری کرد. باید گفت بنا به افزایش روحیه فردگرایی و کاهش تعاملات چهره به چهره در خانواده‌ها ما شاهد شکل‌گیری سبک‌های زندگی مختلفی در درون یک خانواده هستیم در حالی که شاید در گذشته خانواده ایرانی یک سبک زندگی برای اکثریت خانواده‌ها تعریف شدنی بود و بنا به آن تعریف عام، اولین جرعه ذهنی افراد از تعریف خانواده و تعاملات و ارتباطات درونی آن شباهت‌های زیادی با هم داشت.

نکته دیگری که در یافته‌های این پژوهش در بخش یافته‌ها به آن اشاره شد، افزایش صمیمیت بین والدین و فرزندان است که مهمترین علت بنا به نظر همه مصاحبه‌شونده‌ها گذشته از تحول نظام پدرسالاری، کاهش بعد خانواده بوده است که باید گفت این نتیجه مثبت از دل نتیجه‌ای دیگر نمود یافته است و آن شکل‌گیری خانواده‌هایی با ساختار تک فرزند یا ساختار دو فرزندی است؛ ساختاری که امروزه از سوی جمعیت‌شناسان و مسئولین کشوری به‌عنوان یک تهدید از آن یاد می‌شود و این تعارضات در نتایج تحقیقات نشان از عدم تعادل در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه با شرایط خانواده‌ها برای فرزنددار شدن دارد.

نکته مهم دیگر در یافته‌های این پژوهش، تحول جایگاه دوستان در روابط شخصی افراد است که شاید از آن بتوان به‌عنوان یک انقلاب از سه دهه گذشته تاکنون در خانواده ایرانی یاد کرد. چرا که با این تحول مرزهای خویشاوندان و غیرخویشاوندان در روابط شخصی افراد در هم شکسته است و به تبع آن بسیاری از کارکردهای گذشته خانواده؛ از جمله کارکردهای جامعه‌پذیری و هویت‌بخشی خانواده مستقیم و غیرمستقیم دچار اختلال شده است، که شاید تا به حال از نگاه جامعه‌شناسان دور مانده است، ضمن اینکه باید گفت با در هم شکسته شدن این مرزها، تعریف خانواده ایرانی دشوار شده است.

اگر بخواهیم نتیجه این مطالعه را خلاصه کنیم باید بگوییم که: متن زندگی خانوادگی شامل تعاملات درونی اعضا خانواده، در خانواده ایرانی از سه دهه گذشته تاکنون معنایی متفاوت یافته است که عواطف و صمیمیت در آن رنگ باخته‌اند و فردگرایی در حال جاگزینی آنها است و به‌عنوان نکته مهم این تفاوت معنایی از سه دهه گذشته تاکنون باید به محو شدن مرز خویشاوندان و غیرخویشاوندان در زندگی خانوادگی ایرانی اشاره کرد که تعریف خانواده ایرانی را با اختلالاتی مواجه کرده است.

در نهایت به‌عنوان توصیه‌های پژوهشی یک مطالعه، مهمترین پیشنهاد ما به مطالعه عمیق‌تر



روابط شخصی بر می‌گردد؛ همان‌طور که در بخش یافته‌ها عنوان شد در یک خانواده ایرانی به مرور زمان شاهد شکل‌گیری سبک‌های مختلف زندگی هستیم که بنا به فردگرایی به وجود آمده است و زنگ خطری برای بقای خانواده به مفهوم گذشته آن است؛ و باید پژوهشگران این مسئله را در مطالعات خود در نظر داشته باشند و سبک‌های مختلف زندگی فردی در خانواده ایرانی را مطالعه دقیق‌تر بکنند.

منابع

- ریبنز مک‌کارتی، جین و ادواردز، روزالیند (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: نشر علم
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۲). «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی». زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵ شماره ۱، صفحات ۶۳ تا ۸۴.
- کسل، فلیپ (۱۳۸۳). «چکیده آثار آنتونی گیدنز». ترجمه حسن چاووشیان، تهران: ققنوس
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). «پیامدهای مدرنیت». ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز
- لیبی، محمدمهدی (۱۳۹۲). «نگرشی نوین به تحول ارزشهای خانوادگی در ایران»، کتاب ماه علوم اجتماعی، ۱۳۹۲، سال هفدهم، شماره شصت و چهارم.
- مهر آیین، مصطفی (۱۳۹۴). «طلاق عاطفی نتیجه فراموشی لحظه آغاز است». دوهفته نامه فرهنگی و اجتماعی خانه بخت. شماره ۶۳ (پیاپی ۷۹) آبان ماه.
- Burgess, Robert (1993). the family in a changing world (A Prolegomenon to an Evolutionary Analysis). *Human Nature*, 5, (2): 203-221.
- Cassel, Flip (2004). *Review of Anthony Giddens Works*. Translated by Hassan Chavoshian, Tehran: ghoghnoos
- Cheal, David (1993). Unity and difference in postmodern families, *Journal of family Issues*.
- Fasaee Sadeghi, Soheila, Erfanmanesh, Eman (2013). Modern Sociological Analysis on the Impact of Family and the Need to Develop Iranian Model of Islamic Iran. *Women in Arts and Culture*, 5(1): pages 63 to 84.
- Fitzpatrick. Mary Anne, Ritchie. L. David (2008). Communication Theory and the Family. Library of Congress Control Number: 2008937527
- Glaser, Barney G. Strauss, Anselm L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Chicago: Aldine .
- Gillies, Val (2003). *Family and Intimate Relationships: A Review of the Sociological Research*. Families & Social Capital ESRC Research Group. Published by South Bank University.
- Giddens, Anthony (2009). *The Consequences of Modernity*. Translation by Mohsin Salasi, Tehran: Markaz Publication.
- Ghanbaripanah, Afsaneh. Sharif Mustafa, Mohamed. Ahmad, Roslee (2013). Structural Analysis of Family Dynamics Across Family Life Cycle in Iran. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 84 (2013):486 – 490 .
- Labibi, MM (2013). A New Approach to the Development of Family Values in Iran,



Monthly Social Sciences, Vol. 17, Issue 64.

Mehraein, M. (1394). Divorce is the Emotional Consequence of Forgetting the Beginning of Time. *Biweekly of Khane-Bakht Cultural and Social Letter*. Issue. 63 (row 79) November.

Rybnz McCarthy, Jane, Edwards, Rosalind (2011). *The Key Concepts in Family Studies*. Translation by Mohammad Mehdi Labibi, Tehran: Ealm Publishing

OECD(2011). *Doing Better for Families*. OECD Publishing. <http://dx.doi.org/10.1787/9789264098732-en>

Shonkoff JP & Jarman FC, Kohlenberg TM(1987). Family Transitions, Crises, And Adaptations", *Curr Probl Pediatr*. Sep;17(9):503-53.

Scabini. Eugenia, Marta. Elena and Lanz. Margherita(2007). *The Transition to Adulthood and Family Relations*, HOVE AND NEW YORK.

Wall, Karin & Gouveia, Rita (2014). Changing meanings of family in personal relationships. *Current Sociology*, Vol. 62(3): 352-373

Wyn. Johanna, Lantz. Sarah, Harris. Anita(2012). Beyond the 'transitions' metaphor: Family relations and young people in late modernity. *The Australian Sociological Association*, 48(1): 3-22.



A Study on Trends of Change in Intimacy and Personal Relationships of Iranian Family

Maria Rahimi* & Mohammad Rezai**

Abstract

In this study we used qualitative research method and Grounded Theory approach to study trends of change in intimacy and personal relationships of Iranian family in past three decades. The population of this study is 35 university students in past three decades that were selected through theoretical sampling. Findings indicate increased individualism in personal interactions during its course of change. A noted finding is change in position of interactions with friends and colleagues as a new channel of people's personal relationships that has created a different formation in Iranian family in last three decades. The border between relatives and non-relatives has disappeared in Iranian family. Gender has had an important impact on configuration of change in Iranian family since due to transformation in social status of women, their friends and colleagues have relationships with family along with those of men. Apart from this social media and virtual relationships also have been important factors and women tend to be more active in virtual world rather than men.

Keywords: Personal Relationships, Intimate Relationships, Family Interactions, Family Configuration, Evolution of the Family

* Ph.D. Student of Cultural Sociology, Research Institute for Cultural and Social Studies, Tehran, Iran

** Assistant Professor of Sociology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

DOI: 10.22051/jwfs.2017.10134.1151

Submit Date: 2016-06-04

Accept Date: 2017-04-12